

تجلی عاشورا و انقلاب حسینی در شعر شیعه بررسی تطبیقی شعر حماسی - آیینی عاشورایی در گستره ادبیات عربی و فارسی دوره شکل‌گیری و تحول؛ ساختار و مضمون

سیدحسین سیدی*
هوشنگ استادی**

چکیده

در مقاله حاضر، با یک نگرش تطبیقی، زمینه‌های تاریخی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ادبی در روند شکل‌گیری شعر حماسی - آیینی عاشورایی با زبان ادبی ویژه و مستقل آن، تبیین می‌شود و انعکاس ارزش‌های آیینی (دینی) عاشورا همچون استمرار غدیر و ولایت، تولی و تبری، ظلم‌ستیزی، عدالت‌محوری، جهاد و شهادت و تبلیغ و ترویج آرمان‌های انسانی و اسلامی و اندیشه‌های انقلابی تشیع در گستره ادب عربی و فارسی با ارائه نمونه‌های تأمل‌برانگیز و آموزنده پی گرفته می‌شود و سرانجام، مقاله با بررسی اغراض شعری، مضامین و ساختار لفظی و معنوی و پیامدهای ارزشی و ادبی آن، پایان می‌پذیرد.

کلیدواژه‌ها: ادب شیعه، شعر عاشورایی، ارزش دینی، بررسی تطبیقی.

جایگاه شعر عاشورایی در گستره ادبیات عربی و فارسی

ادبیات شیعه به‌عنوان یک پدیده تاریخی تأثیرگذار، قابل اغماض و چشمپوشی نیست. گواه این حقیقت آشکار، شواهد و قراین بسیار از کتاب‌های تاریخ و تراجم و اعلام تا دیوان‌های شعر و قطعات ادبی و نیز گروه بی‌شمار شاعران و ادیبان توانا است. شعر شیعه نیز با برخورداری از جایگاه ممتاز و استوار در ادبیات عربی و فارسی و آفرینش آثار ماندگار و جهت‌گیری هدفمند اندیشه‌ها و باورها، جریان‌ی پویا و پرشور و خروش پدید آورده است. چگونگی شکل‌گیری این جریان، پیوندی ناگسستنی با تغییر و تحولات تاریخ اسلام و شیعه دارد. بی‌گمان پس از قیام عاشورا، شعر شیعه در مسیری دیگر گام برداشت و رثا، شکل حماسی - آیینی به خود گرفت و شعر عاشورایی تجلی کامل و زیباترین جلوه هنری و ادبی آن شد.

در این مقاله، طی یک نگرش تطبیقی، زمینه‌های تاریخی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ادبی در روند شکل‌گیری شعر حماسی - آیینی عاشورایی و ساختار لفظی و معنوی آن در گستره ادب عربی و فارسی تبیین می‌شود؛ سپس انعکاس ارزش‌های شعر عاشورایی مانند استمرار غدیر و ولایت، تولی و تبری، ظلم‌ستیزی و عدالت‌محوری، جهاد و شهادت و تبلیغ و ترویج آرمان‌های انسانی و اسلامی و انقلابی تشیع با ارائه نمونه‌های تأمل‌برانگیز و آموزنده پی گرفته می‌شود و مقاله با بررسی اغراض شعری، مضامین و ساختار لفظی و معنوی و پیامدهای ارزشی و ادبی آن، پایان می‌پذیرد.

دوره‌های تاریخی شعر حماسی - آیینی عاشورایی در ادبیات عربی

از نظر زمانی، شعر عاشورایی را در گستره ادبیات عربی می‌توان به سه دوره مشخص تقسیم کرد:

۱. دوره امامان (علیهم‌السلام) که با شهادت امام حسین(ع) در روز دهم محرم الحرام سال ۶۱ هجری آغاز می‌شود و با غیبت امام مهدی(عج) در سال ۳۲۶ (اوایل قرن چهارم) هجری پایان می‌یابد؛

۲. دوره پس از غیبت که از اوایل قرن چهارم هجری شروع می‌شود و تا پایان قرن سیزدهم هجری ادامه می‌یابد؛
۳. آغاز دوره جدید که از ابتدای قرن چهاردهم هجری آغاز شده و تا روزگار ما تداوم داشته است. (کرباسی، ۱۴۲۱ هـ. ق. : ج ۱، ص ۱۳۵)

دوره امامان (ع)

از آنجا که این مرحله، دوره شکل‌گیری و تحول شعر عاشورایی شمرده می‌شود و از جهت بازه زمانی، بخش اعظم خلافت اموی و قسمتی از عصر عباسی را فرا می‌گیرد، نخست چشم‌اندازی کلی و گذرا از اوضاع سیاسی و اجتماعی و ادبی در این دو دوره ارائه می‌شود؛ سپس تاریخ، جایگاه و ساختار و مضمون شعر حماسی - آیینی عاشورایی در روند یادشده بررسی و تبیین می‌شود.

۱. دوره حکومت امویان

۱-۱. اوضاع سیاسی و اجتماعی

با تصرف عراق به دست امویان که از سال ۳۶ هجری مرکز حکومت و خلافت اسلامی بود، تمامی سرزمین‌های اسلام زیر سلطه معاویه درآمد و او سی سال پس از رحلت پیامبر(ص)، قدرت را به امویان منتقل کرد. حکومت معاویه، اولین تجربه حاکمی بود که در میان اختلافات دینی - سیاسی و احیاناً قبیله‌ای و منطقه‌ای توانست با زور و بهره‌گیری از حیل‌های سیاسی، قدرت را به‌چنگ آورد. سال ۴۱ هجری، عام‌الجماعه (صلح و آرامش در برابر جنگ و شورش) نامیده شد؛ زیرا امت به استثنای خوارج با یک خلیفه بیعت کردند. (یعقوبی، بی تا: ج ۲، ص ۱۲۳؛ ابن کثیر، ۱۴۱۰ هـ. ق. : ج ۸ و ۱۶)

معاویه با ایجاد تغییر در شالوده نظام سیاسی و محور قراردادن نقش ارتش، سیاست داخلی مبتنی بر اداره قبایل و برقراری موازنه میان آنها و بذل و بخشش‌های بی حد و حصر بیت‌المال به شخصیت‌های بزرگ اسلامی، استقرار امنیت در سراسر جهان اسلام، اداره

مستقیم کارهای حکومتی و سیاست توسعه‌طلبانه و انتقال حکومت از نظام شورایی به نظام پادشاهی موروثی، زمینهٔ تداوم حکومت امویان را تحقق بخشید. سهل‌انگاری دینی، فساد اخلاقی حاکمان، عرب‌سالاری، احیای ارزش‌های جاهلی، مبارزه با خاندان رسول خدا(ص)، حادثهٔ خونین کربلا، حمله به شهرهای مقدس مکه و مدینه، گسترش نفوذ اعراب مسلمان و پدیدآوردن دستگاه سیاسی جدید با اقتباس از سیستم سیاسی ساسانی و رومی، از مهم‌ترین ویژگی‌های سیاسی و اجتماعی این دوره به‌شمار می‌آیند. (بیضون، ۱۹۷۹م.؛ ۱۶۰-۱۵۰)

۱-۲. جانشینی یزیدبن معاویه و رویداد خونین کربلا

معاویه با اقناع شخصیت‌های بزرگ حجاز، پشتیبانی کامل قبایل هم‌پیمان شام و تبدیل نظام شورایی به حکومت موروثی، زمینه را برای جانشینی یزید آماده ساخت. هنگامی که او درگذشت، مردم برای خلافت با یزید بیعت کردند. در این میان، فقط دو نفر از مردم حجاز، یعنی حسین بن علی(ع) و عبدالله بن زبیر، از بیعت خودداری کردند و به مکه پناه بردند. به این ترتیب، خلافت حکومتی وسیع، ثروتمند و سیاسی به یزید سپرده شد که نه تلاشی برای ساختن آن کرده بود و نه شایستگی و توانمندی لازم برای ادارهٔ آن را داشت.

یزید در دوران حکومتش با سه مسئلهٔ مهم روبه‌رو شد که مهم‌ترین آنها قیام امام حسین(ع) بود. گروه‌های طرفدار گرایش علوی در شهر کوفه با اجتماع در منزل سلیمان بن سرد خزاعی توافق کردند که با نوشتن نامه به امام حسین(ع)، او را برای بیعت به این شهر دعوت کنند. آنان موضع سیاسی خود را خلع یزید و ردّ نظام موروثی که پس از خلافت او جلوه‌گر شد، اعلام کردند.

امام حسین(ع) پس از خودداری از بیعت با یزیدبن معاویه و اقامت در مکه، در برابر ارسال پیوستهٔ نامه‌های کوفیان و وعدهٔ بیعت و پشتیبانی نظامی آنان، باید دست به گزینش می‌زد، چراکه ماندن در مکه، تدبیری موقت بود و اموی‌ها هرگز او را در این شهر امن رها نمی‌کردند؛ از این‌رو، پیش از عزیمت به کوفه، ترجیح داد نخست مردم را بیازماید. به این سبب، پسرعموی خود مسلم بن عقیل را به کوفه گسیل داشت (همان، ص ۱۸۷-۱۸۶). مسلم

پس از ورود به این شهر، گزارشی مثبت از اوضاع عمومی کوفه تهیه کرد و آن را به مکه فرستاد. او در این گزارش، امام حسین(ع) را به آمدن به کوفه فراخواند. (ابن کثیر، ۱۴۱۰ هـ. ق. : ج ۳، ص ۲۷۳)

زمانی که امام حسین(ع) به سوی کوفه می‌رفت، عبیدالله بن زیاد — حاکم منصوب یزید — با شکنجه و تبعید شیعیان، به‌ویژه اعدام دو تن از رهبران بزرگ آنان، اوضاع را به نفع حکومت اموی دگرگون ساخت. مسلم در بند توانست زندانبان خود — محمد بن اشعث — را قانع کند با اعزام فرستاده، خبر تحولات منفی را به گوش امام(ع) برساند. این نامه در منطقه زباله به ایشان رسید (طبری، ۱۹۸۸ م. : ج ۵، ص ۳۷۵). امام حسین(ع) با امید حمایت مردم کوفه و تشویق برخی یاران و نیز سخنان برادران مسلم بن عقیل برای انتقام خون او، از بازگشت خودداری کرد. (همان، ص ۳۹۷)

در محل «شراف»، حرب بن یزید ریاحی — یکی از فرماندهان حاکم کوفه — در برابر مخالفت امام(ع) برای حرکت به سوی کوفه، راه میانه را برگزید که به کربلا می‌رسید و در انتظار دستور جدیدی از عبیدالله درنگ کرد (دینوری، ۱۹۶۰ م. : ۲۴۷). در این هنگام، پیکی از سوی امیر کوفه با دستور شدید مبنی بر یکسره کردن کار از راه رسید. (طبری، ۱۹۸۸ م. : ۴۰۹)

امام حسین(ع) در شرایط دشواری قرار گرفت و این پیشنهاد را به عمر بن سعد — فرمانده سپاه کوفه — داد: یا بازگشت به مکانی که از آنجا آمده است یا رفتن به یکی از مناطق مرزی؛ و یا بنا بر نقل عقبه بن سمان: بگذارید در زمین گسترده خدا بروم تا سرانجام کار مردم را ببینم. (همان، ص ۳۸۹)

پاسخ امیر کوفه، جنگ یا تسلیم بدون قید و شرط بود. سرانجام در دهم محرم الحرام سال ۶۱ هجری، پس از جنگی نابرابر و آکنده از حوادث خونین، امام حسین(ع) و هفتاد و دو تن از نزدیکان و یاران ایشان مظلومانه به شهادت رسیدند. (همان، ص ۳۹۰-۳۸۹، ۴۰۰)

این رخداد عظیم، چه در زمان وقوع خود و چه در دوره‌های بعد، تأثیرات شگرف سیاسی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ادبی در جوامع اسلامی برجای نهاد.

۱-۳. اوضاع ادبی در عصر بنی‌امیه

سیاست‌های نژادپرستانه و تفرقه‌افکنانه‌ای که حاکمان اموی درپیش گرفته بودند، بر نزاع‌های قبیله‌ای دامن زد و شیوه‌های کهن مفاخره و مصیبت‌های جاهلی را دوباره رواج داد و ادبیات، به‌شدت گرفتار قیود و جمود و تقلید شد و به خدمت مصالح حزبی درآمد (فاخوری، ۱۳۷۶ ش.: ۱۶۶). شعرای بزرگ مجبور بودند برای مذاق‌های عوامانه قباایل، همانند واسطه‌ای عمل کنند و نوعی ناپهنجاری و لحن بی‌رویه بر شعرشان حاکم شود (گیب، ۱۳۶۲ ش.: ۴۷). پیدایش شعر سیاسی و حاکمیت غزل جدید، از مهم‌ترین ویژگی‌های شعر دوره اموی به‌شمار می‌رود.

۱-۴. گرایش‌های شعری مهم در این دوره

۱-۴-۱. شعر سیاسی

مهم‌ترین گرایش شعر این دوره، شعر سیاسی به‌شمار می‌رود:

ویژگی عام شعر و خطابه سیاسی، سهولت و وضوح در واژگان و جمله‌ها و عنصر خیال است؛ چراکه هدف از ادب سیاسی، اثرگذاری و آسان‌ساختن (شیوه‌های) ترویج و گسترش فهم و درک است، تا در عام و خاص تأثیر گذارد بی‌آنکه برای برانگیختن آنها به فهمیدن و فهماندن، اضطرابی درمیان باشد. در شعر سیاسی، انگیزه‌های گروهی، آشکارتر از انگیزه‌های فردی نمایان می‌شود، چراکه شاعر منتسب به یک حزب در پشتیبانی از آن، پیروزی و توان گروه مذکور را می‌یابد، از این‌رو بیشتر از (مصالح و منافع) آن گروه سخن می‌گوید تا از خود. (الحوفی، ۱۹۷۹ م.: ۱۹ و ۲۲)

در دوره اموی، جناح‌بندی‌های سیاسی رو به افزایش نهاد، به‌ویژه آنکه سلطه حاکم با انحراف از اصول اولیه اسلام و پایه‌گذاری حکومتی اشرافی و با صبغه شدید نژادپرستانه، بیش از پیش به شاعران نیاز داشت تا با زبان شعر خود، مبانی این حکومت را تقویت کنند و بر تعصبات قبیله‌ای و اقلیمی دامن زنند. زنده‌ساختن ویژگی‌های بادیه‌نشینی و زندگی جاهلی و دوری از شعایر اسلامی و در شیوه ادبی، پایبندی به شیوه و زبان شعر جاهلی از خصوصیات شعر سیاسی در دوره اموی است.

۱-۴-۱. شاعران سه‌گانه معروف: فرزددق، جریر و اخطل

شعر سیاسی این دوره، در بخش عمده خود، تصویرگر این تعرفه و تعصب قبیله‌ای است و نقائص جریر و فرزددق و اخطل که در آن یکدیگر را برمی‌انگیختند و به نوعی مشاجره شعری می‌پرداختند، بارزترین نمونه آن شمرده می‌شود.

این هر سه شاعر، بی‌تردید ویژگی‌های مشترک دارند؛ مع‌ذلک اگر فرزددق در فصایدی استاد بود که بر افتخارات تازیان گذشته و غرور ایشان نسبت به اصل و نسب و اعمال قهرمانی استوار بود، در عوض، اخطل در فن مدیح هنرنمایی می‌کرد. اما جریر به علت سرودن اشعار مطبوع و متنوع، ظاهراً شاعرترین ایشان به‌شمار آمده است. (عبدالجلیل، ۱۳۷۴ ش. : ۷۱-۷۰)

۱-۴-۲. شعر خوارج، زبیریان و شیعه

شعر خوارج بیانگر عقیده دینی - سیاسی فرقه‌ای است که به‌دور از تأثیر تمدن جدید و گرایش‌های آن که به‌ویژه در شام بارز بود، طبیعت خود را حفظ کرده بودند. این شعر با به‌تصویرکشیدن عقیده ایشان در ولایت و رهبری امت، امتیاز می‌یابد.

شعر شیعه نیز در پرتو تعالیم و آموزه‌های خاندان نبوی و اهل بیت عصمت و طهارت (ع) به عنصری فعال و تأثیرگذار در گستره ادبیات سیاسی تبدیل شد.

دو گرایش دیگر در ادب سیاسی، زبیریان و شعوبیه هستند. آل زبیر به انگیزه برپایی نوعی اشرافیت و به هوای استیلا قریش، در برابر حکام اموی به‌پا خاستند. عبدالله بن قیس الرقیات پس از قتل دو پسر خود در واقعه حرّه به‌دست امویان، شعر خود را در خدمت زبیریان و حمایت از آنان قرار داد. شعوبیه نیز با نفوذ در همه عرصه‌های سیاسی، نظامی و فرهنگی و ادبی، گسترش روزافزون یافت.

۱-۴-۲. شعر عاطفی

در سده نخست هجری، گونه‌ای شعر عاشقانه شکوفا شد که در دو قالب بدوی و شهری جلوه می‌یافت و در جزیره العرب گسترش روزافزون پیدا می‌کرد. ویژگی غزل بدوی، پاکی شدید عواطف و آراستگی زیبای بیان است و شاعران این مکتب، «شاعران عذری» -

برگرفته از نام قبیله «بنی عذرة» — نامیده می‌شوند و مشهورترین ایشان، جمیل (عاشق بُثَیْنَة) و کُثَیْر (عاشق عَزَة) و قیس بن مَلُوْح (عاشق لیلی) به‌شمار می‌آیند.

شهرهای مکه و مدینه، جایگاه عرضه و ارائه غزل شهری بود. شاعران اموی، در این گستره، دقایق و لطایف ناگفتنی عشق، ظرافت‌های زنانه و سخنان گستاخانه شرم‌انگیز را بی‌پروا بر زبان می‌آوردند. از مشهورترین نمایندگان این گونه شعر، می‌توان از عمر بن ابی‌ربیع، عبدالله‌العرجی، عبدالله بن قیس الرقیات، حارث بن خالد و الاحوص بن محمد الانصاری نام برد. (ضیف، ۱۹۶۰م. ج ۲، ص ۱۵۰-۱۳۵؛ فاخوری، ۱۳۷۶ ش. ۱۶۵-۱۶۴)

۲. اوضاع سیاسی دوره عباسی اول و عصر عباسی دوم

۲-۱. مراحل تشکیل خلافت عباسی

خلافت عباسی از آغاز تا تشکیل، دو مرحله اساسی دعوت را پشت‌سر گذاشت:

۱. مرحله اول از ابتدای قرن اول هجری قمری آغاز شد و با پیوستن ابومسلم خراسانی به دعوت پایان یافت، که فاصله زمانی سال‌های ۱۲۸-۱۰۰ ه. ق. را دربر می‌گیرد؛
۲. مرحله دوم با پیوستن ابومسلم به دعوت آغاز شد و تا سال ۱۳۲ ه. ق. که حکومت اموی سقوط کرد و حکومت عباسی ایجاد شد، ادامه یافت.

۲-۲. دلایل به قدرت رسیدن عباسیان

آنچه عباسیان را در رسیدن به قدرت یاری کرد، فقط ادعا یا تمایل شخصی نبود، بلکه یک سلسله عوامل اجتماعی و سیاسی نیز به آنان کمک کرد: ۱. ادعای آنها در انتساب به پیامبر(ص)؛ ۲. سابقه و خدمات مبارزاتی یا علمی آنان در اسلام؛ ۳. نارضایتی همگانی از بنی‌امیه و گرایش جامعه به گروه‌های رقیب؛ ۴. نبودن درک سیاسی در بین توده‌های ناراضی، به‌ویژه ایرانیان در تفکیک میان گروه‌های رقیب از خاندان پیامبر(ص)؛ ۵. انتظار همگانی برای ظهور یک منجی غیبی؛ ۶. آگاهی دقیق بنی‌امیه از خطر اهل بیت واقعی و ایجاد فرصت

مناسب برای فعالیت سیاسی و فرهنگی بنی عباس؛ ۷. تمسک عباسیان به احادیث جعلی؛ ۸. کناره‌گیری و عدم دخالت عباسیان در تمامی قیام‌های قبلی.

۳-۲. اوضاع اقتصادی و اجتماعی

طولی نکشید که بغداد — پایتخت عباسیان — به صورت قلب شرق جهان درآمد؛ زیرا بندرگاه مهم تجارت هند و مرکز عظیم بازرگانی آن روز شد. این اقتصاد شکوفا، زندگی پرتجملی را به دنبال داشت. گسترش فتوحات و کشورگشایی‌ها بر ثروت و دارایی مرکز خلافت افزود و خزاین آن را آکنده از ثروت‌های بادآورده کرد. اسراف و تبذیر طبقه نواخته اشراف، بر فاصله طبقاتی دامن زد، به طوری که به تدریج طبقات مختلف با توانمندی‌های خاص در مرکز خلافت به وجود آمد: ۱. طبقه اجتماعی حاکم و برتر (متشکل از خلفا، وزیران و امیران)، ۲. طبقه میانی و متوسط (تشکیل یافته از صنعتگران و بازاریان و کارمندان حکومت)، ۳. طبقه فقیر و عوام جامعه (متشکل از بندگان، محرومان، گدایان و کشاورزان). (ضیف، ۱۹۶۰م. ج ۳، ص ۸۸-۴۴)

۴-۲. اوضاع فرهنگی و ادبی

آمیزش اقوام بیگانه با تازیان و گرایش نخستین خلفای عباسی به بهره‌مندی حکومت خود از دستاوردهای دیگر تمدن‌ها، فعالیت‌های عظیم ادبی و دینی و علمی را برای مترجمان و ناسخان و مؤلفان و شاعران فراهم ساخت و زبان عربی نیز به صورت ابزاری انعطاف‌پذیر و توانا درآمد که قادر بود بار اندیشه‌ها و تمدن‌ها را بردوش کشد. (عبدالجلیل، ۱۳۷۴ش: ۱۰۶-۱۰۵)

فرهنگ عربی بر اثر آمیزش با فرهنگ بیگانه، به ویژه ایران و یونان، وسعت گرفت و با گسترش نهضت ترجمه و آفاق فکر عربی، اندیشه‌ها بارور شد و کتابخانه‌های عمومی و مدارس علمی رونق یافت و تحقیقات علمی و فلسفی به صورت منظمی درآمد. (فاخوری،

همه این گرایش‌ها به‌نوعی در ادب و شعر عصر عباسی تجلی یافت و بنیان‌های ایجاد مکاتب جدید ادبی و شعری را استوار ساخت.

۲-۵. شعر و شاعری در این دوره

پایان دوره اموی، شاهد درهم‌شکستن ساختمان کهن قصیده عربی بود. شاعران عاطفی، مقدمه عاشقانه‌ای را که قصاید به‌اجبار با آنها آغاز می‌شد، برگرفتند و به‌طور مستقل گسترش دادند. این اقدام، شاعران دوره نخست عصر عباسی را به خود جلب کرد و از اینجا نوعی منازعه و درگیری میان قدما و متجددان برپا شد (بلاشر: ۱۹۸۴م. : ۱۵-۱). ایشان کوشیدند با عمق بیشتر به موضوعاتی توجه کنند — عشق، باده، فلسفه، زهد و تصوف و... — که گذشتگان یا اصلاً از آنها اطلاع نداشتند و یا تنها به اشاراتی به آنها بسنده کرده بودند. این تحول و دگرگونی، در اغراض و موضوعات و فنون و معانی و افکار و اسلوب‌ها و اوزان آن اثر گذاشت.

۲-۶. اغراض شعری و شاعران آن

۲-۶-۱. مدح

شاعران به مدیحه‌سرایی روی آوردند؛ زیرا مدیحه، راه تحصیل معیشت بود و از این رو غلو و مبالغه تا حد بسیاری در مدایح راه یافت. از مدیحه‌سرایان پرآوازه این دوره می‌توان از بحتری نام برد. ابن‌رومی قصاید مدح خود را با فخر درمی‌آمیزد و کمتر به غلو و اغراق روی می‌آورد.

۲-۶-۲. وصف

شاعران، افزون بر موضوعات کهن، به توصیف ساختمان و موضوعاتی دیگر، مانند استخر و فواره و شمع و انواع طعام و نیز باغ و بوستان‌هایی که بر گرد کاخ‌ها حلقه زده بود، روی می‌آوردند تا به این وسیله، در نفوس، شادمانی و نشاط برانگیزند (حسین، ۱۹۸۸-۱۹۸۱م.:

ج ۲، ص ۳۴۸-۳۵۳). ابوتمام، بختری و ابن رومی، از شاعران برجسته وصف در این دوره به شمار می‌روند.

۲-۳-۶. رثا

رثای شهرها — از جمله قصیده ابن رومی در رثای شهر بصره — یکی از مصادیق توجه به توصیف مظاهر تمدن جدید در این دوره بود. عواطف و احساسات درونی صادقانه و تأثیرگذار به همراه ساختار درونی و استواری و سهولت و روانی در رثای نزدیکان و امیران و فرماندهان نظامی نیز آشکار است. (فاخوری، ۱۳۷۶ ش.: ۴۰۵)

۲-۴-۶. هجا

این غرض همچنان وسیله کسب درآمد بود و برگزندگی و بی‌آبرویی آن افزوده شده بود. درون‌مایه هجا، یا اخلاق و کردار فردی و اجتماعی افراد بود یا صفات و مشخصات ظاهری آنها. نیشار و ابن رومی، نمایندگان مثال‌زدنی و برجسته این نوع غرض به شمار می‌روند.

۲-۵-۶. شعر تعلیمی

مظهری از نفوذ عقل در این دوره بود و اهل دانش آن را برای منظوم‌ساختن بعضی از علوم به کار می‌گرفتند تا حفظ و مراجعه به آن را آسان سازند.

۲-۶-۶. زهد و حکمت

شعر زهد بیشتر از شراب و مجون (پرده‌داری) با زندگی مردم عادی پیوند داشت. عواطف صادق و احساسات رقیق و نازک و ساختار لفظی ساده، و روان و زبان پندآمیز، از ویژگی‌های غالب اشعار زهد به شمار می‌رود. در شعر حکمی و فلسفی، به جهان با نظر تحلیلی می‌نگریستند. انتشار فلسفه یونان و حکمت ایران باستان و ظهور گروهی از اندیشمندان و متکلمان معتزلی، به گسترش عقل‌گرایی در شعر عربی دامن زد. (ضیف، ۱۹۶۰ م.: ۱۴۸-۱۴۷)

۲-۷-۶. غزل

به سبب اشاعه لهو و لعب و ترویج فساد، غزل عذری (عقیفانه) از رونق افتاد و بی‌بندوباری و هرزگی و بی‌عفتی به آن راه یافت. زبان غزل، ساده و با الفاظی آسان و روان بود و بیشتر گروه‌های جامعه توانایی درک آن را داشتند و معمولاً تحت تأثیر غنا و موسیقی رایج در

جامعه، از اوزانی استفاده می‌شد که به راحتی با موسیقی همراه می‌شدند. (فاخوری، ۱۳۷۶ش: ۲۷۹-۲۷۸). ابونواس، خداوندگار این گونه شعر بود.

شعر حماسی - آیینی عاشورایی: دوره شکل‌گیری و تحول

شعارهای امام حسین(ع) - امر به معروف و نهی از منکر، آزادی، ایثار و فداکاری، پایداری، حق‌طلبی و دفاع از مظلوم و... - شعارهایی بود که در دوره‌های بعد هم در برابر ستمکاران و منحرفان از دین قابل استناد و پیروی بود. این نکته را نیز باید افزود که امام(ع) مشروعیت قیام برضد ظالمان را به لحاظ دینی تأیید کرد و از این نظر نیز قیام ایشان می‌توانست الگویی مناسب برای دنباله‌روی و تقلید باشد. حادثه کربلا به طور عمده از سوی امام محمدباقر(ع) و امام جعفر صادق(ع) به صورت یک ارزش مذهبی جاودان درآمد که هم می‌توانست اهداف سیاسی خاص را به تصویر کشد و هم دغدغه‌ها و اندیشه‌ها و آموزه‌های شیعه را در قالب سخنان پرشور، سوگواره‌های مذهبی و زیارت‌نامه‌ها به نسل‌های آینده منتقل کند، از جمله «زیارت وارث» که امام حسین(ع) را از زاویه تاریخی و ارزشی، ادامه‌دهنده مسیر پیامبران مطرح می‌سازد. شاعران شیعی نیز تحت تأثیر این رویکرد ائمه(ع) در دوره اموی و عباسی به انعکاس شاعرانه این رخداد مکتبی و ابعاد گوناگون آن در آفریده‌های شعری خود پرداختند و به این گونه، دفاع از حریم ولایت و مقدسات اسلامی - که به نحو کامل در قیام امام حسین(ع) تجلی یافته بود - به شعر شاعران بزرگ شیعی مانند سید حمیری، کمیت اسدی، دعبل خزاعی، منصور نمری، دیک‌الجن و ابن‌رومی راه یافت.

۱. رجزهای عاشورایی

به یقین، نخستین نشانه‌های این شعر را در رجزهای عاشورایی می‌توان جست‌وجو کرد. پرشورترین این رجزها، بر زبان اباعبدالله‌الحسین(ع) - سالار شهیدان - و نزدیکان و یاران باوفای ایشان جاری شد. ساختار این رجزها، ساده و بی‌پیرایه، و به دور از تصویرپردازی‌های تکلف‌آمیز شاعرانه و درونمایه آن نمایانگر مقاومت و پایداری، ایثار و از خودگذشتگی و

سرانجام، استقبال از شهادت بود. عباس بن علی (ع) — برادر رشید و سردار امام حسین (ع) — در روز تاسوعا، آنگاه که ناجوانمردانه و از کمینگاه‌های پنهانی مورد حمله قرار گرفت و طفیل بن حکیم دست راست او را قطع کرد، شمشیر به دست چپ گرفت و این رجز را خواند:

وَاللّٰهِ اِنْ قَطَعْتُمْ يَمِيْنِيْ
وَ عَنْ اِمَامٍ صَادِقِ الْيَقِيْنِ
اِنِّيْ اُحَامِيْ اَبَدًا عَنْ دِيْنِيْ
نَجْلِ النَّبِيِّ الطَّاهِرِ الْاَمِيْنِ

(قمی، ۱۴۲۱ هـ. ق. / ۱۳۷۹ ش. : ۳۰۳)

سوگند به خدا که اگر دست راستم را قطع کنید، بی گمان و بی هیچ تردید (برای) همیشه از دین خود پشتیبانی می کنم.
و از امام راست باور (امامی که دارای باور راستین است)، زاده (از نوادگان) پیامبر پاک درستکار (حمایت می کنم).

و چون دست چپ ایشان بریده شد، فرمود:

يَا نَفْسُ لَا تَخْشِيْ مِنَ الْكُفَّارِ
مَعَ النَّبِيِّ السَّيِّدِ الْمُخْتَارِ
وَ اَبَشْرِيْ بِرَحْمَةِ الْجَبَّارِ
قَدْ قَطَعُوا بِبَعْثِهِمْ يَسَارِيْ
فَاُضْلِهِمْ يَا رَبَّ حَرَّ النَّارِ

(همان، ص ۳۰۵-۳۰۴)

ای نفس! از کافران بیمناک مشو و به رحمت خداوند جبار امیدوار باش!
در کنار پیامبر، (آن) سرور برگزیده، (کوفیان) با ستم خود، دست چپم را قطع کردند.
پروردگارا! داغی آتش (دوزخ) را به ایشان بچشان!

امام حسین (ع) هنگامی که پس از شهادت همه یاران و نزدیکان در برابر کوفیان ایستادند، شمشیر آخته در دست و ناامید از زندگی و آماده مرگ، این رجز پرشور و حماسی را بر زبان راندند:

اَنَا بِنُ عَلِيٍّ الطَّهْرِ مِنْ آلِ هَاشِمِ
وَ جَدِّي رَسُوْلُ اللّٰهِ اَكْرَمُ مَنْ مَشَى
كَفَانِيْ بِهَذَا مَفْخَرًا حِيْنَ اَفْخَرُ
وَ نَحْنُ سِرَاجُ اللّٰهِ فِي الْخَلْقِ يَزْهَرُ

(همان، ص ۳۱۹)

من فرزند علی پاک از خاندان هاشم هستم. مرا هنگام مفاخره، همین افتخار بس است.

و جدّم پیامبر خدا بزرگوارترین کسی است که (بر زمین) گام نهاده است و ما چراغ درخشان (هدایت) در میان مردم هستیم.

سپس به سمت راست و آنگاه به جانب چپ سپاه دشمن حمله کردند و فرمودند:

أَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ أَلَيْتُ أَنْ لَا أَنْتَنِي
أَخْمِي عِيَالَاتِ أَبِي أَمْضَى عَلَى دِينِ النَّبِيِّ

(همان، ص ۳۲۳-۳۲۱)

من حسین بن علی (ع) هستم و بر آن هستم که (از برابر شما کوفیان) روی نگردانم.
از خانواده پدرم پشتیبانی می‌کنم و در مسیر دین پیامبر گام برمی‌دارم.

تصاویر خونبار، جانگداز، شجاعانه و عبرت‌انگیزی که رجزهای عاشورایی از پیکار دلیرانه مردان خدا ارائه کرد، برای همیشه، شاعران متعهد شیعه را وام‌دار خود ساخت تا آنجا که شعر حماسی - آیینی عاشورایی در سخت‌ترین شرایط از آزار و شکنجه تا اسارت و کشتار بیرحمانه ستمگران و غاصبان به حیات خود ادامه داد و در گستره ادبیات عربی و فارسی، آثار ماندگار و اثرگذار و ارزشمند ادبی پدید آورد.

۲. شعر حماسی - آیینی عاشورایی: دوره اموی

ابوالاسود دؤنلی و کمیت اسدی، مشهورترین شاعران شیعی در این دوره‌اند که در رثای امام حسین (ع) شعر سروده و ارزش‌های آیینی و انسانی قیام عاشورا را با زبان حماسی و پرشور به تصویر کشیده‌اند. ابوالاسود در شهادت امام حسین (ع) مرثیه‌ای سرود و خواهان تقاص و انتقام از قاتلان او شد (اصفهانی، بی‌تا: ج ۱۲، ص ۲۱۵):

أَقُولُ وَ ذَاكَ مِنْ جَزَعٍ وَ وَجْدٍ أزالَ اللهُ مُلْكَ بَنِي زِيَادٍ

من (پیوسته) با هیجان و بی‌تابی می‌گویم، خداوند ملک فرزندان زیاد را نابود سازد.

هنگامی که کمیت، هاشمیت خود را بر امام محمدباقر (ع) خواند، ایشان فرمودند: «خداوند!»

بر کمیت رحمت فرود آر و او را بیامرز!». (اصفهانی، بی‌تا: ج ۱۵، ص ۱۲۳)

كَأَنَّ حُسَيْنًا وَالْبَهَاءَ لَيْلٌ حَوْلَهُ لِأَسْيَافِهِمْ مَا يَخْتَلِي الْمُتَقَبَّلُ

(همان، ص ۱۸۲-۱۸۱)

گویا حسین و یاران شیفته پیرامون او، در برابر شمشیرهای آنان، به سبزه‌های دروشده

توسط دروگر می‌مانند.

۳. دوره عباسی

رثای حسینی در قالب شعر حماسی - آیینی عاشورایی در اشعار شاعران بزرگ و نام‌آور این دوره، همچون مصعب عبدی کوفی، عنان طایی، سید حمیری، دیک‌الجن، نمری و ابن‌رومی بروز و ظهور می‌یابد و در قصیده تائیه دعبل به اوج خود می‌رسد. مصعب کوفی (۱۷۸ هـ.) اشک‌های خویش را در کنار فرات، به پیکرهای درخون‌تپیده خاندان پیامبر (ص) تقدیم می‌کند:

وَأَبَكْتُ عُيُونِي بِالْفِرَاتِ مَصَارِعَ
لِأَلِ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى وَ عِظَامَ

(همان، ص ۱۶۹)

چشمانم در کنار فرات برای پیکرهای (به خاک و خون‌تپیده) بزرگان خاندان پیامبر برگزیده، سرشک بارید.

و عنان طایی (م ۱۵۰ هـ.) این‌گونه جانگداز پیکر پاره‌پاره اباعبدالله‌الحسین (ع) را به تصویر می‌کشد:

غَدَاةَ حُسَيْنٍ لِلرَّمَاكِ دَرِيئَةً
وَقَدْ نَهَلَتْ مِنْهُ السُّيُوفُ وَ عَلَّتِ

(همان، ج ۱، ص ۱۹۲)

بامدادان، (پیکر) حسین (ع) آماج تیرهای (دشمن) بر خاک افتاده و شمشیرها (از خون او) نوشیده بود و برای نوشیدن دوباره (و سیراب‌شدن از این آب‌سخور) فرود می‌آمد.

و سید حمیری (م ۱۷۹ هـ.) زندگی را پس از شهادت او، تلخ و خالی از هرگونه لذت می‌یابد:

وَمَا لَذَّ عَيْشٌ بَعْدَ
رَضِّكَ بِالْجِيَادِ الْأَعْوَجِيَّةِ

(همان، ص ۱۹۸)

زندگی پس از درهم‌کوبیده‌شدن (پیکر به خاک و خون‌تپیده تو) در زیر اسبان اعوجی (با کجی و انحراف در پا) هیچ لذتی ندارد.

و نمری (م ۱۹۰ هـ.) عزیزترین کسان خویش را فدای شهیدان کربلا می‌سازد:

قَتِيلُ مَا قَتِيلُ بَنِي زِيَادٍ أَلَا بِأَبِي وَ أُمِّي مِنْ قَتِيلِ

(همان، ص ۲۰۹)

چه کشتگانی‌اند، آنان که به دست فرزندان زیاد به قتل رسیدند! (هیچ کشته‌ای به پای این کشتگان نمی‌رسد.)

و دیک‌الجن (م ۲۳۵ یا ۲۳۶ هـ.) قلب خود را آرامگاه مصیبت‌های خفتگان در قبور کربلا قرار می‌دهد:

يَا عَيْنُ فِي كَرْبَلَا مَقَابِرُ قَدْ تَرَكْنَ قَلْبِي مَقَابِرِ الْكَرْبِ

(همان، ص ۲۸۴)

ای چشم (سرشک‌بار) من! در کربلا قبوری است که دل مرا آرامگاه مصیبت‌های ایشان قرار داده است.

و ابن‌رومی (م ۲۸۳ هـ.) در قصیدهٔ جیمیهٔ خود، اقدام جنایتکارانهٔ آل‌زیاد و بنی‌عباس را در گوش تاریخ فریاد می‌کشد:

أَكَلَّ أَوَانٍ لِلنَّبِيِّ مُحَمَّدٍ قَتِيلُ زَكِيٍّ بِالْذَمَاءِ مُضَرَّجٌ

(اصفهانی، بی‌تا: ۶۴۶)

آیا هر از گاهی باید یکی از فرزندان پیامبر خدا، محمد(ص)، پاک و بی‌گناه، کشته شود و در خون خود بغلتد؟!

و سرانجام، دعبل خزاعی (م ۲۴۶ هـ.) در قصیدهٔ «تائیه» خود، جهانی از شور و حماسه و شعار و شعور می‌آفریند:

أَفَاطِمُ قَوْمِي يَا ابْنَةَ الْخَيْرِ وَأَنْدُبِي نُجُومُ سَمَاوَاتٍ بِأَرْضِ فَلَاتٍ

(خزاعی، ۱۴۱۸ هـ./۱۹۹۸ م.: ۵۵)

ای فاطمه! ای دخترِ (پیامبر) نیکی! برخیز و بر ستارگان افتاده بر صحرا مویه کن!

شعر عاشورایی با وجود پیروی از سبک‌ها و اغراض شعری رایج در زمان خود، به تدریج

زبان و سبک خاصی می‌یابد.^۱

۱. در بخش بررسی ساختاری و مضمونی، به این ویژگی‌ها و ارزش‌های نهفته در آنها اشاره خواهد شد.

شعر حماسی - آیینی عاشورایی در گستره ادب پارسی

تا پیش از اوایل سده چهارم، به خاطر حاکمیت فرمانروایان متعصب و سختگیری‌های آنان نمی‌توان پیشینه قابل قبولی از شعر عاشورایی در ادبیات فارسی ارائه کرد؛ اما با حاکمیت آل‌بویه و گسترش تدریجی مذهب تشیع، رثای خاندان پیامبر(ص)، به‌ویژه یاد مصایب جانگداز سالار شهیدان، جایگاهی ممتاز و ویژه در تاریخ ادبیات فارسی به خود اختصاص داد. معزالدوله دیلمی (۳۵۶-۳۲۰ هـ.ق) فرمان داد برای نخستین بار، در روز عاشورای سال ۳۵۲ هـ.ق، مراسم عزاداری حسینی به صورت آشکار انجام پذیرد؛ و این جریان به مدت شصت سال ادامه یافت (صفا، ۱۳۵۵: ج ۱، ص ۲۰۰). گروهی از شیعیان با مطالعه در زمینه شعر آیینی و تاریخ حدیث، به نشر مناقب و مراثی اهل بیت (ع) همت گماشتند. این عده در مقابل فضاییان - نقالان و راویان اهل سنت که در ضمن نقالی، فضایل شیخین و نقاط برجسته زندگینامه آنان را برمی‌شمردند - به «مناقیبیان» مشهور شدند. پیش از بررسی تاریخ شکل‌گیری و تحول شعر عاشورایی، نخست چشم‌اندازی کوتاه و گذرا از تاریخ تطور شعر پارسی تا قرن دهم هجری ارائه می‌شود.

تاریخ تطور و تحول شعر پارسی تا قرن دهم هجری

لهجه عمومی مشرق ایران - فارسی دری - به یاری یعقوب لیث صفار (۲۶۵-۲۵۴ هـ.ق) - مؤسس سلسله مشهور صفاریان - در اواسط قرن سوم هجری، وسیله ایجاد ادبیات جدید در ایران شد و با ظهور شاعرانی مانند محمدبن وصیف سگزی و محمدبن مخلد سگزی، نخستین اشعار عروضی فارسی سروده شد که ابوسلیک گرگانی و حنظله بادغیسی و مسعودی مروزی ادامه‌دهنده آن بودند و در قرن چهارم با استیلای حکومت سامانیان، تحول چشمگیر یافت. (صفا، بی تا: ۸۹)

۱. دوره سامانی و غزنوی (قرن سوم تا پایان نیمه اول قرن پنجم هجری)

در این دوره، شاعران بزرگ مانند شهید بلخی، رودکی، دقیقی، کسایی، فردوسی، فرخی سیستانی، عنصری، منوچهری دامغانی و ابوسعید ابوالخیر با قراردادن پایه شعر خویش بر

فلسفه و حکمت و عرفان و به دور از کاربرد پیرایه‌های لفظی و افراط در کنایه و استعاره و تکلفات صنعتی و با گرایش به مدیحه‌سرایی و قصه‌پردازی و روی آوردن به قالب‌های قصیده و مثنوی و مسمط و رباعی و دوبیتی و ترجیع‌بند و ترکیب‌بند و خلق حماسه‌های باشکوه، سبک خراسانی را بنیان می‌نهند.

۲. دوره سلجوقیان و خوارزمشاهیان (نیمه دوم قرن پنجم تا آغاز قرن دهم هجری)
شاعران برجسته این دوره — اسدی طوسی، ناصر خسرو، مسعود سعد سلمان، امیرمعزی، سنایی، انوری، خاقانی، باباطاهر، نظامی، جمال‌الدین اصفهانی و عطار نیشابوری — با کاربرد بیشتر صنایع لفظی و معنوی و اصطلاحات فلسفی و علمی و اشاره به آیات قرآنی و احادیث و استفاده از واژگان و ترکیبات عربی و افزودن قالب غزل به دیگر قالب‌های شعری و گرایش به اشعار سیاسی، حلقه و واسطه پیوند سبک خراسانی با دوره بعد می‌شوند و به این وسیله، سبک دوره انتقال شکل می‌گیرد.

۳. دوره استیلای مغول و تیموریان (آغاز قرن هفتم تا پایان قرن نهم هجری)
شعر این دوره با برخورداری از واژگان لطیف، اوج شکوفایی غزل، تجلی عرفان و فرهنگ اسلامی و فضایل اخلاقی در آن و کاربرد فراوان کلمات و ترکیبات عربی و توجه شاعران از دربار به مردم، شاهد ایجاد و تحول سبک عراقی و ظهور شاعران بزرگی مانند عطار، مولوی، کمال‌الدین اسماعیل، سعدی، اوحدی مراغه‌ای، امیرخسرو دهلوی، خواجوی کرمانی، ابن‌یمین، سلمان ساوجی، حافظ و جامی در گستره زبان و ادبیات فارسی است.

۴. دوره صفویه (از آغاز قرن دهم تا میانه قرن دوازدهم هجری)
با گسترش موضوعات شعر و راه‌یافتن حماسه‌های تاریخی و دینی و منظومه‌های حکمی و عرفانی و تکامل مرثیه‌سرایی در عرصه شعر فارسی، شاعران بزرگ این دوره، مانند محتشم کاشانی، بابافغانی شیرازی، وحشی بافقی، صائب تبریزی، هاتف اصفهانی و طالب آملی و کلیم کاشانی، سبک اصفهانی را پی افکندند.

شعر حماسی، آیین عاشورایی در گستره شعر فارسی شیعه

قدیمی‌ترین مرثیه مکتوب عاشورایی را کسایی مروزی — شاعر شیعی قرن چهارم — سروده است؛ از این رو او را پیشکسوت شاعران شیعه‌مذهب ایرانی و آغازگر شعر مکتوب آیین فارسی شمرده‌اند. (صفا، ۱۳۵۵: ج ۱، ص ۶۸)

دست از جهان بشویم، عز و شرف نجویم مدح و غزل نگویم مقتل کنم تقاضا
میراث مصطفی را فرزند مرتضی را مقتول کربلا را تازه کنم تولا
(امین ریاحی، ۱۳۶۷: ۶۹-۷۰)

حکیم سنایی — شاعر مشهور شیعی سده پنجم و ششم هجری قمری — ده‌ها بیت از شعر خود را به سوگ امام حسین(ع) اختصاص می‌دهد:

حبذا کربلا و آن تعظیم کز بهشت آورد به خلق نسیم
(سنایی، ۱۳۴۴: ۲۶۶)

ابوالمفاخر رازی — از شعرای شیعی در قرن ششم هجری قمری — در قصیده مشهور خود، در توصیف خورشید و صبح می‌گوید:

مهر به خوناب گرم غرق شده چون حسین(ع)
صبح به الماس قهر خسته شده چون حسن(ع)
(شوشتری: ۱۳۷۷ش: ج ۲، ص ۶۱۵-۶۱۶)

و قوامی رازی — دیگر شاعر شیعی معروف قرن ششم هجری — در مهم‌ترین قصیده خود که در رثای سیدالشهدا(ع) است، چنین سروده است:

سینه دریده، حلق بریده، فکنده دست غلتان به خون و خاک، سر از تن شده جدا
بر سینه عزیز تو بر اسب تاخته ای همچو مصطفی ز همه عالم اصطفای
(قوامی رازی، ۱۳۷۴ق: ۱۲۵)

خواجوی کرمانی — از مشاهیر شاعران و عارفان قرن هفتم هجری — در یکی از ترکیب‌های بلند و زیبای خود، درباره مقتل سالار شهیدان این‌گونه می‌سراید:

حدیث مقتل او گر به گوش کوه رسد
وگر سپهر برد نام آتش جگرش
شود ز خون دل، اجزای او عقیق مذاب
کند به اشک چو پروین ستارگان را آب
به کربلا شد و کربوبلا به جان بخريد
گشود بال و از این تیره خاکدان پيريد

(خواجوی کرمانی، ۱۳۶۹ش. ۶۰۶)

ابن‌یمین فریومدی از بزرگ‌ترین قطعه‌سرایان قرن هشتم هجری و شاعری شیعی مذهب است که شکایت فاطمه (س) - دخت پیامبر (ص) - را از قاتلان فرزندانش در روز محشر این‌گونه توصیف می‌کند:

ندارد کسی طاقت دیدنش
به یک دوش او بر یکی پیرهن
ز بس گریه و سوز نالیدنش
به زهرآب آلوده بهر حسن
ز خون حسینش به دو تیر اگر
فرو هشته آغشته دستار سر
بگوید که خون دو والا گهر
از این ظالمان هم تو خواهی مگر

(فریومدی، ۱۳۴۴ش. ۵۸۹-۵۹۰)

شاه نعمت‌الله ولی - عارف و شاعر پرآوازه قرن هشتم و نهم هجری - در جای‌جای دیوان خود، از محبت و عشق اهل‌بیت (ع) و سیدالشهدای این خاندان می‌سراید:

چون شهید کربلا در کربلا آسوده است
همچو یاران موالی کربلا را دوست دار
گر بلایی آید از عشق شهید کربلا
عاشقانه آن بلا را مرحبا باید زدن
(ولی، ۱۳۷۳ش. ۳۱۸)

(همان، ص ۶۶۳-۶۶۲)

من حسینی مذهبیم ای یار من
یافته‌ام تعظیم از خلق حسن

(همان، ص ۸۲۱)

در این میان، ابن‌حسام خوسفی - از عالمان شیعه‌مذهب قرن نهم هجری - موقعیت و جایگاه ممتازی کسب کرد؛ چه، از مجموع اشعار او در مراثی و مدایح پیشوایان معصوم شیعه، دیوانی مستقل پدید آمد:

دل‌م شکسته و مجروح و مبتلای حسین
طواف کرد شبی گرد بلای حسین

شکفته نرگس و نسرين و سنبل تر، دید ز چشم و جبهه و جعد گره گشای حسین

(خوسفی، ۱۳۶۶ش: ۲۲۵-۲۲۳)

اهلی شیرازی — از شاعران شیعی نامدار قرن نهم هجری — نیز سوگواره‌هایی مخلصانه در رثای امام حسین(ع) دارد:

آغشته شد به خون، سرو فرقی که موی او خون در درون نافه تاتار کرده است

قدر حسین کم نشد و شد عزیزتر خود را یزید روسیه و خوار کرده است

(صاحبکار، ۱۳۷۹ش: ۱۹۶-۱۹۵)

این روند در شعر فارسی به حیات خود ادامه می‌دهد تا اینکه در قرن دهم هجری، با روی کار آمدن دولت صفوی و رسمیت یافتن مذهب تشیع، در شعر شاعران این دوره به‌ویژه محتشم کاشانی، به اوج خود می‌رسد:

باز این چه شورش است که در خلق عالم است

باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است

(محتشم کاشانی، ۱۳۴۴ش: ۲۸۸)

شعر حماسی - آیینی عاشورایی: درون‌مایه‌های نوین، زبان و ساختار

قیام امام حسین(ع) از یک سو به‌خاطر مطرح‌ساختن ارزش‌های عام و فراگیر انسانی — عدالت‌محوری، ستم‌ستیزی، آزادیخواهی،... — و از سوی دیگر، با تبلیغ و ترویج علمی آرمان‌های ماندگار و آموزه‌های شاخص شیعه — ولایت، امامت، غدیر، انتظار، تولی و تبری،... — در ادبیات اسلامی، به‌ویژه شعر و نثر شیعه، به سرمشق و الگویی والا و اثرگذار تبدیل شد و از حالت یک واقعه در زمانی بیرون آمد و با تعمیم و گسترش، گونه‌ای بی‌زمانی یا فرازمانی در آن لحاظ شد. شعر عاشورایی با تأثیر از این جنبه قیام کربلا، از دوره شکل‌گیری تا هنگام تحوّل و شکوفایی، با برخورداری از یک زبان فخیم و حماسی - آیینی و مضامین و درون‌مایه‌های منحصربه‌فرد، به تدریج ساختار لفظی و معنوی و سبک بیانی خاص خود را یافت و با خلق آثار و نمونه‌های چشمگیر و قابل اعتنا، زمینه ایجاد یک مکتب شعری مستقل

و الگوپذیری از آن را فراهم ساخت.

دو ویژگی زبان حماسی و درون‌مایه آیینی، با خلق نمونه‌های ماندگار و ارزشمند، سرمایه و گنجینه‌ای پربار برای تصویرپردازی شاعران متعهد شیعه و زمینه‌ای مناسب برای تحول و پیشرفت رثا آماده و مهیا می‌سازند و این‌گونه، شعر عاشورایی، لحنی شورانگیز و شیوه‌ای حماسی می‌یابد تا به آوردگاهی کلامی و گفتاری برای اثبات حقیقت غصب‌شدهٔ خاندان پیامبر(ص) و تبلیغ و انتشار معارف و آموزه‌های رهایی‌بخش ایشان تبدیل شود. در مبحث بعد، با ارائهٔ مضامین نوین این شعر، زبان و ساختار خاص آن نیز تبیین و بررسی می‌شود.

مضامین و درون‌مایه‌های نوین

با یادآوری نمونه‌هایی از شعر حماسی — آیینی عاشورایی، مضامین و درون‌مایه‌های نوین زیر را می‌توان در آنها یافت:

۱. عاشورا، استمرار ولایت و غدیر

کمیت در هاشمیت چنین سروده است:

| | |
|--|---|
| فَمَا لِي إِلَّا آلُ أَحْمَدَ شَيْعَةً | وَ مَا لِي إِلَّا مَذْهَبَ الْحَقِّ مَذْهَبُ |
| بِأَيِّ كِتَابٍ أَمْ بِأَيَّةِ سُنَّةٍ | تَرَى حُبَّهُمْ عَارًا عَلَيَّ وَ تَحْسَبُ |
| وَ مِنْ أَكْبَرِ الْأَحْدَاثِ كَأَنْتَ مُصِيبَةٌ | عَلَيْنَا قَتِيلُ الْأُدْعِيَاءِ الْمُحَلَّبُ |
| قَتِيلُ بَجْنِبِ الطَّفِّ مِنْ آلِ هَاشِمٍ | فِيَا لَكَ لَحْمًا لَيْسَ عَنْهُ مَذْبَبُ |
| وَ مُنْعَرِجِ الْخَدَّيْنِ مِنْ آلِ هَاشِمٍ | أَلَا حَبْدًا ذَاكَ الْجَبِينِ الْمُتْرَبُ |

مرا دوست و پشتیبان و طرفداری جز آل احمد و مذهبی جز مذهب شیعه نیست.

به (براساس) کدامین کتاب و کدامین سنت، دوستی آنان را از سوی من عار و ننگ می‌دانی (می‌پنداری)؟

و از بزرگ‌ترین حوادث، مصیبتی بود که بر ما گذشت و آن پاره‌پاره‌شدن پیکر شهیدان ما به‌دست دشمنان بود. پیکری از خاندان هاشم (بر خاک) کربلا افتاد که هیچ مدافع و پشتیبانی نداشت.

گونه‌های آن (به خاک درغلتیده) از خاندان هاشم، خاک آلود است. آفرین بر آن پیشانی خاک آلود باد!

و یا دعبل در قصیده تائیه خود، استمرار و تداوم مذکور را این گونه به تصویر می کشد:

وَلَوْ قَلَّدُوا الْمُوصَى إِلَيْهِ أُمُورَهَا
لَزُمْتُ بِمَا مَوْنٍ عَنِ الْعَثْرَاتِ
فَإِنْ جَحَدُوا كَانَ الْغَدِيرُ شَهِيدَهُ
وَ بَدْرٌ وَ أَحَدٌ شَامِخُ الْهَضْبَاتِ
أَفَاطِمُ! لَوْ خَلَّتِ الْحُسَيْنُ مُجَدَّلًا
وَ قَدْ مَاتَ عَطْشَانًا بِشَطِّ فُرَاتِ
إِذَا لِلطَّمْتِ الْخَدَّ فَاطِمٌ عِنْدَهُ
وَ أَجْرِيَّتِ دَمْعُ الْعَيْنِ فِي الْوَجَنَاتِ
أَفَاطِمُ قَوْمِي يَا ابْنَةَ الْخَيْرِ وَأَنْدَبِي
نُجُومَ سَمَاوَاتِ بِأَرْضِ فَلَاةِ

(خزاعی، ۱۹۷۸م.؛ ۶۹۷۰)

اگر زمام امر خلافت را به کسی که (پیامبر) وصیت و سفارش کرده بود، واگذار می کردند، بی گمان از لغزش‌ها درامان مانده بودند.

اگر (ولایت و خلافت) او را انکار کنند، غدیر و بدر و احد با تپه‌های بلند، شاهدان او هستند.

ای فاطمه! اگر گمان می کردی روزی حسین تو در کنار شط فرات، افتاده بر خاک و تشنه جان خواهد داد، در این هنگام، ای فاطمه! بر چهره سیلی می نواختی (گونه‌ها را خراش می دادی) و سیلاب اشک بر گونه‌ها جاری می ساختی.

ای فاطمه! ای دختر بهترین آفریده‌های خدا! برخیز و بر اختران (سوخته) آسمان (نبوت و امامت) که بر پهنه بیابان خشک و سوزان فرو افتاده‌اند، مویه کن!

فردوسی در این باره چنین می سراید: *بوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

اگر چشم داری به دیگر سرای
به نزد نبی و وصی گیر جای
هر آن کس که در دلش بغض علی است
از او خوارتر در جهان زار کیست

(فردوسی، ۱۳۷۷ش.؛ ج ۱، ص ۱۵)

و یا کسای مروزی، منکران ولایت امیرالمؤمنین (ع) را شایسته دوزخ و محروم از بهشت برین می داند:

بی‌تولاً بر علی و آل او دوزخ تو راست
خوار و بی‌تسلیمی از تسنیم و از خلد برین

(امین ریاحی، ۱۳۶۷: ۴۸)

و ناصر خسرو قبادیانی — قصیده‌سرای گرانقدر شعر فارسی — این گونه از عهدشکنان

غدیر یاد می‌کند:

از قول عهده‌ی که کردی بر همه روز غدیر
چون فراز نشتر جهانند و رمانند، ای رسول
سود دنیا را همی جویند و نیندیشند هیچ
گرچه از دین و شریعت بر زیانند، ای رسول
(ناصر خسرو، بی تا: ۳۰۴)

۲. ظلم‌ستیزی و عدالت‌محوری

انعکاس روحیه پایداری و مقاومت در برابر ستمگران و گرایش به عدالت و برابری، از بنیان‌های همیشگی شعر عاشورایی شمرده می‌شود:

أَلَمْ يَحْزَنْكَ أَنْ بَنِي زِيَادٍ أَصَابُوا بِالْتَّرَابِ بَنِي النَّبِيِّ
وَ أَنْ بَنِي الْحِصَانِ يَمُرُّ فِيهِمْ عَلَانِيَةً سَيْوْفُ بَنِي الْبَغِيِّ
(خزاعی، ۱۹۷۸م: ۱۶۳)

آیا از اینکه فرزندان زیاد، فرزندان پیامبر را به خاک نشانند و چنین ناپاک‌زادگان، آشکارا بر آن پاک‌نژاد شمشیر کشیدند، تو را اندوهگین ساخته است؟

یا ابن‌رومی در قصیده جیمیه خود، تبعیض و بی‌عدالتی موجود میان فرزندان و وابستگان

اهل بیت (ع) و امویان را به زیبایی توصیف می‌کند:

أَفِي الْحَقِّ أَنْ يُمْسُوا خِمَاصًا وَأَنْتُمْ يَكَادُ أَحْوَكُمْ بِطَنَّةً يَتَّبَعُ
تَمَشُّونَ مُخْتَالِينَ فِي حُجْرَاتِكُمْ ثِقَالُ الْخَطَا أَكْفَا لَكُمْ تَتَرَجَّرُ
وَلِيدُهُمْ بَادِي الطَّوَى وَ وُلِيدُكُمْ مِنْ الرِّيفِ رِيَانُ الْعِظَامِ خَدَلَجُ
(اصفهانی، بی تا: ۶۵۸-۶۵۷)

آیا حق و انصاف است که آنها با شکم گرسنه، شب را به روز آورند، اما کسان و نزدیکان شما نزدیک است از سیری بترکند؟

شما در میان خانه‌ها و اتاق‌هایتان متکبرانه گام برمی‌دارید و از شدت فربه‌ی پاها را سنگین برمی‌دارید و نشیمنگاهانتان به‌هنگام راه‌رفتن بالا و پایین می‌رود.

کودکان آنها از گرسنگی، شکم‌تهی و فرزندان شما دارای استخوان‌های نیرومند و پرگوشت باشند؟

سنایی غزنوی — شاعر، حکیم و عارف نامدار قرن‌های پنجم و ششم هجری —

می گوید:

سراسر جمله عالم پر شهیدست
شهیدی چون حسین کربلا کو
(سنایی، ۱۳۸۱ ش: ۲۸۹)

و یا:

حَبْذا کربلا و آن تعظیم
و آن تن بریده در گل و خاک
و آن تن سر به خاک غلطیده
و آن گزین همه جهان کشته
کز بهشت آورد به خلق نسیم
و آن عزیزان به تیغ دل ها چاک
تن بی سر بسی بد افتاده
در گل و خون تنش بیاغشته
(سنایی، ۱۳۴۴ ش: ۲۶۶)

قوامی رازی — شاعر شیعی نیمه اول قرن ششم هجری — چنین می سراید:

روز دهم ز ماه محرم به کربلا
هرگز مباد روز چو عاشور در جهان
آن تشنگان آل محمد اسیروار
میر و امام شرع، حسین علی (ع) که بود
از چپ و راست حمله همی کرد چون پدر
ظلمی صریح رفت بر اولاد مصطفی (ص)
کان روز بود قتل شهیدان به کربلا
بر دشت کربلا به بلا گشته مبتلا
خورشید آسمان هدی، شاه اوصیا
تا بود در تنش نفسی و رگ به جا

(قوامی رازی، ۱۳۷۴ ق: ۱۲۵)

۳. تصویرسازی پویا و اثرگذار از مفاهیم آیینی جهاد و شهادت

سفیان بن مصعب عبدی کوفی — از شاعران متعهد شیعه در قرن دوم هجری — چنین

سروده است:

لَقَدْ هَدَّرْكَنِي رُزُّ آلِ مُحَمَّدٍ
وَأُبَكَّتْ عُيُونِي بِالْفِرَاتِ مَصَارِعُ
وَتِلْكَ الرَّزَايَا وَالْخُطُوبُ عِظَامُ
لِآلِ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى وَ عِظَامُ
مصیبت خاندان پیامبر (ص)، (همه ارکان) وجودم را به لرزه درآورد و این مصیبت ها بسیار
بزرگ است.

چشم‌های من در کنار فرات برای پیکرهای به‌خون‌غلنیده بزرگان خاندان پیامبر برگزیده سرشک بارید.

منصور نمری، در بیانی شورانگیز، شهادت جانگداز فرزندان پیامبر(ص) و آرزوی حضور

خود در عرصه جهاد مقدس ایشان را این‌گونه به‌تصویر می‌کشد:

وَقَدْ شَرَقَتْ رِمَاحُ بَنِي زَيْدٍ بَرِيٌّ مِنْ دِمَاءِ بَنِي الرَّسُولِ
 بَرِئْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ مِمَّنْ أَصَابَكَ بِالْأَذَاهِ وَ بِالذُّحُولِ
 أَلَا لَيْتَنِي وَصَلْتُ يَمِينِي هُنَاكَ بِقَائِمِ السَّيْفِ الصَّقِيلِ
 فَجَدْتُ عَلَى السُّيُوفِ بَحْرًا وَجْهِي وَ لَمْ أُحْدِلْ بَنِيكَ مَعَ الْخُدُولِ

نیزه‌های فرزندان زیاد (طرفداران او) از خون فرزندان پیامبر(ص) سیراب شدند. ای پیامبر خدا! از همه کسانی که تو را (با این جنایت) آزرند و به دشمنی تو برخاستند، بیزاری می‌جوئیم.

ای کاش من در آنجا بودم و قبضه شمشیر تیز و بران را (در یاری تو و فرزندان) به‌دست می‌گرفتم.

و گرمای چهره(برافروخته)ام را به شمشیرها می‌بخشیدم (تا با حرارت بیشتر در نبرد شرکت جویند) و با گروه خوارکنندگان در عمل (زشت) خوار کردن فرزندان تو، همراهی نمی‌کردم.

سنایی غزنوی بی‌پرده و به‌دور از مصلحت‌طلبی‌های رایج در این‌باره سروده است:

و آنچنان ظالمان بدکردار کرده بر ظلم خویشان اصرار
 حرمت دین و خاندان رسول جمله برداشته ز جهل و فضول
 کرده آل زیاد و شمر لعین ابتدای چنین تبه در دین

(سنایی، ۱۳۸۱: ۲۶۶)

۴. حق‌گرایی به‌جای مصلحت‌طلبی

کمیت در قصیده‌ای از هاشمیت خود بی‌باکانه، با گرایش به حق و دوری از مصلحت‌طلبی،

چهره زشت غاصبان خلافت و نیز رفتار ددمنشانه بنی‌امیه را برملا می‌سازد:

فَلَمْ أَلْبُغْ بِهَا لَعْنًا وَ لَكِنْ
 فَمَازَ بِذَاكَ أَقْرَبُهُمْ لِعَدْلِ
 أَضَاعُوا أَمْرَ قَائِدِهِمْ فَضَلُّوا
 تَنَاسَوْا حَقَّهُ وَ بَغَوْا عَلَيْهِ
 فَقُلْ لِبَنِي أُمِّيَّةٍ حَيْثُ حَلُّوا
 أَسَاءَ بِذَاكَ أَوْلَهُمْ صَنِيعًا
 إِلَى جَوْرِ وَ أَحْفَظَهُمْ مُضِيْعًا
 وَ أَقْوَمُهُمْ لَدَى الْحَدَثَانِ ذَرِيْعًا
 بِإِلَاتِرَةٍ وَ كَانَ لَهُمْ قَرِيْبًا
 وَ إِنَّ خِفَتِ الْمُهَنْدَ وَالْقَطِيْعَا

(امینی، ۱۴۱۶ق./۱۹۹۵م.: ج ۲، ص ۱۸۱-۱۸۰)

من به آنها لعنت نمی فرستم اما نخستین ایشان کاری زشت پیشه ساخت (انجام داد).
 و با این کار، دومین نفر هم که از دیگران به عدل و داد و پاسداری (از حریم آن) نزدیکتر
 می نمود، ستمکار شد.

اینان، فرمان پیشوای خود را که در رویدادهای روزگار از همه استوارتر و پایمردتر بود، تبه
 ساختند و به گمراهی درافتادند.

حق او را فراموش کردند و بر او ستم روا داشتند، بالینکه وی هیچ گناهی نکرده و سرور
 ایشان بود.

به بنی امیه در هر جا که فرود آمدند، بگو، اگرچه از شمشیربرکشیدن یا راندن آنها هراسان
 و بیمناک باشی.

سنایی در این گستره چنین می سراید:

آن که را عمر و عاص باشد پیر
 مستحق عذاب و نفرین است
 لعنت دادگر بر آن کس باد
 من نیم دوستدار شمر و یزید
 هر که راضی شود به بدکردن
 لعنتش طوق گشت در گردن
 یا یزید پلید باشد میر
 بدره و بدفعال و بددین است
 که مر او را کند به نیکی یاد
 ز آن قبیله منم به عهد بعید
 لعنتش طوق گشت در گردن

(سنایی، ۱۳۴۴ش.: ۲۶۶)

۵. اشاره و استدلال به وقایع و رخداد‌های مسلم تاریخ اسلام

شاعران عاشورایی، با تسلط کامل بر رخداد‌های مهم تاریخ اسلام، هنرمندانه از آن در
 راه اثبات فضایل اهل بیت عصمت و طهارت (ع) بهره برده‌اند:

کمیت چنین سروده است:

وَرَدَمٌ أَبْوَابَ الَّذِينَ بَنَى لَهُمُ
بُيُوتًا سَيَّوَىٰ أَبْوَابِهِ لَمْ يَرَدِّمْ

(امینی، ۱۴۱۶ق./۱۹۹۵م: ج ۲، ص ۱۹۵)

و جز در خانه او (حضرت فاطمه (ع))، درهای خانه‌های آنها را که به مسجد گشوده می‌شد، بست (مسدود کرد).

کسای مروزی با اشاره به آیه ۶۱ سوره مبارکه آل عمران، به رویدادهای تاریخی مباحله با مسیحیان نجران اشاره می‌کند:

فصل زین‌الاصفیا داماد فخر انبیا

کافریدش خالق خلق آفرین از آفرین

«قُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ» برخوان و رندانی گوش

لعنت یزدان بین از «نَبْتِهْل» تا «کاذِبین»

(امین ریاحی، ۱۳۶۷)

و عطار نیشابوری درباره بخشیدن سه قرص نان به فقیر و مسکین و اسیر از سوی امام

علی (ع) سروده است:

ز مشرق تا به مغرب گر امام است علی و آل او ما را تمام است

گرفته این جهان وصف سانش گذشته زآن جهان وصف سه نانش

(شوشتری، ۱۳۷۷ش: ج ۲، ص ۱۰۰)

رتال جامع علوم انسانی

زمان شکنی و فرازمانی بودن

در توصیف رخدادهای و جهت‌گیری مضامین

شعر حماسی - آیینی شیعه (همان شکل تحول یافته رثا) به خاطر مطرح ساختن ارزش‌های

عام و فراگیر انسانی - مانند عدالت‌محوری و ستم‌ستیزی و تبلیغ و ترویج آرمان‌ها - و

آموزه‌های شاخص شیعه - مانند امامت، غدیر، انتظار و جهاد و شهادت - در ادبیات اسلامی

و به‌ویژه ادب متعهد شیعه به الگویی برتر تبدیل شد و از یک پدیده در زمانی (محدود به

زمان خاص) بیرون آمد و با تعمیم و گسترش، گونه‌ای بی‌زمانی یا فرازمانی در آن لحاظ شد. نمونه‌های برجسته‌ی ارائه‌شده در شعر عربی و فارسی، همه به‌نوعی این ویژگی را دارند.

۷. تبیین و تبلیغ ارزش ماندگار دینی و ترویج آرمان‌های انقلابی تشیع

امر به معروف و نهی از منکر، حریت و آزادگی، ایثار و فداکاری، وفا و جوانمردی، و صبر و شکیبایی، ارزش‌هایی بودند که با قیام عاشورایی جان دوباره گرفتند و با تأثیر در شعر عاشورایی به آن غنا و تازگی و طراوت بخشیدند. نمونه‌های پیشین و نیز سراسر میمیه کمیت و تائیه دعل و جیمیه ابن‌رومی و دیگر سروده‌های عاشورایی در شعر عربی و فارسی، آکنده از این تصویرسازی‌های درخشان و اثرگذار است.

کلمه و کلام در شعر عاشورایی و زبان و ساختار این شعر

«کلمه» (واژه) در فرهنگ وحی، نه یک واحد زبانی صرف که مظهر تجلی اسماء و صفات الهی و واسطه‌ی اتصال عالم اصغر با عالم اکبر، آینه‌ی منعکس‌کننده‌ی دوام فیض الهی و تداوم سریان زندگی و عشق در همه‌ی پدیده‌ها و موجودات هستی است. کلمه‌ی شعری در تجربه‌ی شاعر شیعی، از مرزهای عادی درمی‌گذرد و به‌همراه تصویر و موسیقی و خیال و عاطفه، به دنیایی گام می‌نهد که با روایت پیمان ازلی ولی‌الله و قلب عالم امکان، رایحه‌ی ماورایی می‌یابد و زبان و کلام شعر متعهد شیعه را با ساختار لفظی و معنوی خاص، در مسیر راستین خود قرار می‌دهد. از این پس، شعر شیعه با تصویر حماسه‌ی عاشورایی کمال می‌یابد و به‌سبب زبان و قالب ویژه، ارزش‌های والا و درون‌مایه‌های اعتقادی را با شور و عاطفه و اندوه و نیاز درهم می‌آمیزد و اسطوره‌ای بر گونه‌ی حقایق می‌آفریند. سنت‌شکنی در ساختار، انقلاب در مضمون و درون‌مایه، صدق عاطفه و شور درونی و هماهنگی کامل زبان تصویری با درون‌مایه‌ها، از ویژگی‌های برجسته در عرصه‌ی زبان و ساختار شعر عاشورایی به‌شمار می‌رود.^۱

۱. مصادیق و موارد انقلاب و نوآوری در مضمون، در بخش بررسی درون‌مایه‌های نوین شعر حماسی - آیینی عاشورایی ذکر شد.

۱. سنت‌شکنی در ساختار

کمیت در قصیده میمه و بائیة خود، سال‌ها پیش از ابونواس — شاعر نوآور عصر عباسی اول — با عدول از یاد اطلال و دمن و سرای محبوب و بادیه و صحرا، به ساختارشکنی در قصیده کهن عربی پرداخت:

مَنْ لِقَلْبٍ مُتَيِّمٍ مُسْتَهَامٍ غَيْرَ مَا صَبَوَهُ وَ لَا أَحْلَامٍ

چه کسی به فریاد دل شیفته و مشتاقی می‌رسد که نه به دنبال میل و هوا می‌گردد و نه در پی آرزو است؟

و نیز:

طَرِبْتُ وَ مَا شَوْقًا إِلَى الْبَيْضِ أَطْرَبُ وَ لَا لِعَبَاءٍ مِنِّي وَ ذُو الشَّيْبِ يَلْعَبُ

به شور و اشتیاق آمدم اما نه برای خوبرویان سپیداندام. آیا سالخورده‌ای چون من به بازی و سرگرمی مشغول می‌شود؟

سنایی غزنوی نیز با رعایت همین شیوه، قصیده خود را در مدح و ستایش اهل بیت (ع) و اولیا و انبیا آغاز می‌کند:

جهان پردرد می‌بینم دراکو دل خوبان عالم را وفا کو
وراز دوزخ همی ترسی شب و روز دلت پردرد و رخ چون کهربا کو
بهشت عدن را بتوان خریدن ولیکن خواجه را در کف بها کو

(سنایی، ۱۳۸۱ش: ۲۸۹)

۲. صدق عاطفه و شور درونی

نمری این‌گونه صادقانه و عاشقانه، عاطفه و شور درونی خویش را در توصیف رویداد جانگداز کربلا به تصویر می‌کشد:

مَتَى يَشْفِيكَ دَمْعَكَ مِنْ هَمُولٍ وَ يَبْرُدُ بِقَلْبِكَ مِنْ غَلِيلٍ
أَلَا يَا رَبَّ ذِي حُزْنٍ تَعَايَا بِصَبْرِ فَاسْتَرَاخَ إِلَى الْعَوِيلِ

قَتِيلٌ ما قَتِيلٌ بَنَى زِيَادٍ أَلَا بِأَبِي وَ أُمِّي مِنْ قَتِيلٍ
چه هنگام اشک‌های به‌شدت ریزانت، تو را شفا می‌بخشد و گرمای (داغ و رنج) قلبت را
سرد می‌سازد؟
هان! چه بسا اندوهگین که از شکیبایی ناتوان می‌شود و با پناه‌بردن به گریه و شیون (بر
تو) آرام و قرار می‌گیرد!
چه کشتگانی‌اند آنان که (به تیغ جور) فرزندان زیاد، روی در خاک کشیده‌اند. پدر و مادرم
فدای این کشتگان باد!

کسایبی مروزی - پیشگام شعر عاشورایی در ادبیات فارسی - چنین می‌سراید:
بیزارم از پیاله و ز ارغوان و لاله ما و خروش و ناله، کنجی گرفته مأوا
دست از جهان بشویم، عزّ و شرف نجویم مدح و غزل نگوییم، مقتل کنم تقاضا
میراث مصطفی راه، فرزند مرتضی را مقتول کربلا راه، تازه کنم تولا
(امین ریاحی، ۱۳۶۷: ۱۴۸)

۳. هماهنگی کامل زبان تصویری (صور خیال)

با درون‌مایه‌ها و مضامین شعری

این تلفیق و هماهنگی به‌گونه‌ای است که آرمان‌های ماندگار و اثرگذار اسلامی و انسانی
و آموزه‌های خاص مکتب تشیع با حرکتی هدفدار، نظام مستقل و سبک خاص شعر حماسی
- آیینی عاشورایی را تحقق می‌بخشد. در نمونه‌هایی که از شعر عربی و فارسی ارائه شد، این
پدیده را به‌خوبی می‌توان دریافت.

بررسی تطبیقی اغراض، مضمون و ساختار لفظی و معنوی

شعر حماسی - آیینی عاشورایی در گستره ادب عربی و فارسی

۱. اغراض شعری (مدح، وصف، رثا، هجا)

باینکه همان اغراض شعری کهن، در این شعر نیز وجود دارد، نوع و چگونگی بهره‌برداری
از این اغراض، جلوه‌ای ویژه و رویکردی متفاوت به آن می‌بخشد. وصف، مدح، هجا و رثا در

تاریخ ادبیات عربی، کاربردی ذاتی و ماهوی دارند، به این معنی که هریک از این شیوه‌های شعری در همان هدف و عنوان کلی وصفی — توصیف، ستایش، سرزنش و مرثیه — به کار برده می‌شوند؛ اما در شعر حماسی — آیینی عاشورایی، عملکردی ابزاری و آلی می‌یابند و در خدمت اهداف، مضامین و باورهای دینی قرار می‌گیرند.

به دو نمونه از این اغراض با ذکر موارد خاص اشاره می‌شود:

۱-۱. وصف

دعبل خزاعی، نخست شب‌هایی را توصیف می‌کند که ماهرویان پرده از رخسار برمی‌گرفتند و او روزها را به سرمستی دیدار آنان پشت‌سر می‌گذارد:

وَ إِذْ هُنَّ يَلْحَظْنَ الْعُيُونَ سَوَافِرًا وَ يَسْتُرْنَ بِالْأَيْدِي عَلَى الْوَجَنَاتِ
وَ إِذْ كُلُّ يَوْمٍ لِي بِلِحْظِي نَشْوَةٌ يَبِيْتُ لَهَا قَلْبِي عَلَى نَشْوَاتِ

(خزاعی، ۱۹۷۸ م: ۳۸)

در آن هنگام (شب‌ها)، ماهرویان نقاب از رخسار برمی‌گرفتند و گونه‌ها را با دست می‌پوشاندند.

هر روز دیدگانم سرمست دیدار آنان بود و قلبم به یاد آن مستی‌ها و خوشی‌ها، شب را به روز می‌آورد.

اما به دنبال آن، این وصف را زمینه‌ساز پیمان‌شکنی دشمنان اهل بیت (ع) قرار می‌دهد:

هُمْ نَقَضُوا عَهْدَ الْكِتَابِ وَ فَرَضَهُ وَ الْمُحْكَمَةَ بِالزُّورِ وَالشَّبَهَاتِ

(همان)

آنان پیمان و فرمان قرآن و آیات محکم آن را به دروغ و شبهه‌افکنی گسستند.

قوامی رازی — شاعر شیعی نیمه اول قرن ششم هجری — در توصیفی شاعرانه، طبیعت

و جلوه‌های آن را از هیاهوی ملکوت، در آشوب و بی‌نظمی می‌بیند:

افتاده غلغل ملکوت اندر آسمان برداشته حجاب افق امر کبریا
خورشید و ماه تیره و تاریک بر فلک آرامش زمین شده چون جنبش هوا

(قوامی رازی، ۱۳۷۴ ق: ۱۲۵)

چراکه پیامبر (ص) و زهرا (س) و علی (ع) در شهادت فرزندشان، حسین (ع)، به سوگ

نشسته‌اند:

زهرای و مصطفی و علی سوخته ز درد
درپیش مصطفی شده زهرای تنگدل
فرزند من که هست تو را آشنا به جان
او درمیان آن همه تیغ و سنان و تیر
ماتم‌سرای ساخته بر سدره منتها
گریان که چیست درد حسین مرا دوا
در خون همی کند به مصاف اندر، آشنا
دانی همی که جان و جگر خون شود مرا
(همان)

۲-۱. هجا

و در هجا که شاعران به خود اجازه می‌دهند در برابر دریافت صلّه، گستاخانه پرده‌داری کنند و هر صفت زشتی را بی‌پروا بر زبان برانند، شاعر شیعی ما تصویرسازی‌های بی‌بدیل این زشت‌نمایی را با ستم ستمگر و بی‌عدالتی و فریبکاری او پیوند می‌دهد تا آرمان‌خواهی و مقاومت و پایداری را در اندیشه و جان مخاطب خویش زنده نگاه دارد.

ابن رومی در قصیدهٔ جیمیهٔ خود — سروده‌شده در رثای یحیی بن عمرالحسین — نخست

تصویری هجوآلود از ستم عباسیان ارائه می‌دهد:

أَجْنُوا بَنِي الْعَبَّاسِ مِنْ شَتَائِكُمْ وَ شُدُّوا عَلَيَّ مَا فِي الْعِيَابِ وَ أَشْرَجُوا
وَ خَلَوْا وَ لَوْلَا السُّوءُ مِنْكُمْ وَ غِيَّهُمْ فَأَخْرَبَهُمْ أَنْ يَغْرَقُوا حَيْثُ لَجَجُوا

ای بنی‌عباس! زشتی‌های (کردار) خود را بپوشانید و درپوشی‌های (صندوق‌های کینه و دشمنی خود) را ببندید و بند کیسه‌های دشمنی را بکشید و برنندید!

و فرمانداران بدکردارتان را با گمراهی‌هایشان واگذارید! چه شایسته‌اند در همان منجلاب و باتلاق‌های (بدبختی و گمراهی خویش) فرو روند.

آنگاه در فرازهای پسین، آنان را از فرجام ناخوشایند و سقوط در ورطهٔ نابودی برحذر

می‌دارد و امیدوارانه برپایی دولت حق را به شیعیان نوید می‌دهد:

عُرِّرْتُمْ إِذَا صَدَقْتُمْ أَنْ حَالَهُ تَدُومُ لَكُمْ وَالذَّهْرُ لَوْنَانٍ أَخْرَجُ
لَعَلَّ لَهُمْ فِي مَنْطَوِي الْعَيْثِ نَائِرًا سَيَسْمُو لَكُمْ وَالصَّبِيحُ فِي اللَّيْلِ مُوَلِّجُ

فریب خورده‌اید اگر پندارید که این فرمانروایی برای شما دوام دارد؛ زیرا دنیا و روزگار دو رنگ سیاه و سفید دارد (گاهی به سود شما و گاهی به زیانتان است).

شاید آنها در پایان این دوران بارش (انقلاب و شورش)، (دولت) و انتقام‌گیرنده‌ای داشته باشند که بر شما برتری یابند زیرا بامداد از دل تاریکی برمی‌آید.

سنایی غزنوی — شاعر شیعی قرن ششم هجری — در توصیف واقعه کربلا و حوادث پس از آن، زبان به هجو عاملان این فاجعه می‌گشاید:

| | |
|----------------------------|-----------------------------|
| همچو قوم ثمود و صالح و عاد | عمر و عاص و یزید و ابن زیاد |
| رفته از ره حقد به انکار | بر جفا کرده آن سگان اصرار |
| روبه مرده، شرزه شیر شده | عالمی بر جفا دلیر شده |

(سنایی، ۱۳۸۱: ۲۶۶)

سپس این جنایت را ادامه رویارویی حق و باطل و تازه‌شدن داغ کهنه و کینه قدیمی قریش در دشمنی با قرآن و پیامبر (ص) و علی (ع) — جانشین برحق او — می‌داند:

| | |
|----------------------------|---------------------------|
| کافران چون در اول پیکار | شده از زخم ذوالفقار فگار |
| همه را بر دل از علی صد داغ | شده یکسر قریش طاغی و باغ |
| کین خود بازخواسته ز حسین | شده قانع بدین شماتت و شین |
| کرده دوزخ برای خویش معدّ | بوالحکم را گزید بر احمد |

(همان)

۲. مضمون و درون‌مایه

چنان‌که در بخش بررسی ساختار و درون‌مایه شعر عاشورایی عنوان شد، شاعران متعهد شیعه در این گستره با تأثیر از ابعاد گوناگون حادثه طف و نیز پیروی از تعالیم و آموزه‌های پیشوایان معصوم شیعه (ع)، مضامین و معانی نو درافکندند و با هدفمند و جهت‌دار کردن سروده‌های خود، زمینه شکل‌گیری و تحول شعر حماسی - آیینی عاشورایی را با ویژگی‌های منحصر به فرد و ایجاد مکتب ادبی مستقل شیعه فراهم ساختند. بررسی نمونه‌های ارائه شده در ادب عربی و فارسی نشان می‌دهد که اشعار عربی — قرن اول تا سوم هجری — با توجه به پیشینه طولانی و توانمند ادبی و پشت‌سرنه‌اندن دوران شکوفایی و پیشرفت و برخورداری

از گنجینه‌های پربار لغوی و نیز تکامل زبان شعری و تجربه کامل قالب‌های عروضی، به پختگی و انسجام رسیده باشد. اما اشعار فارسی از این حیث در آغاز دوران تحول و شکل‌گیری است و در پرداخت موضوعات و انتقال مضامین متنوع — مانند امر به معروف و نهی از منکر، جهاد و شهادت، امامت و ولایت، انتظار، تقیه... — تجربه‌های آغازین را پشت‌سر می‌گذارد و از این نظر کمتر می‌تواند با آفریده‌های شعری برجسته عربی قرن دوم و سوم هجری به رقابت برخیزد؛ ولی به‌مرور زمان و با افزایش قابلیت‌های علمی و گسترش دامنه ابداعات و نوآوری‌های زبانی، به‌ویژه در قرن‌های هفتم، هشتم و نهم هجری، ساختار استوار و زبان فخیم و پرشکوه خود را می‌یابد و سرانجام در قرن دهم هجری و با پیدایش دولت شیعی صفویه، با خلق آثار کامل و ماندگار همچون *دوازده بند محتشم*، ضمن رقابت با نمونه‌های پیشین شعر عربی، گوی سبقت را از سروده‌های معاصر خود می‌ریابد.

۳. ساختار لفظی و معنوی

درک ضرورت انتقال و تبلیغ مفاهیم، آموزه‌ها و تعالیم آیینی و عاشورایی از سوی شاعران شیعی و توانایی علمی و ادبی بالای آنان، گزینش و کاربرد این رویکردها را در گستره ساختار لفظی و معنوی امکان‌پذیر ساخت:

۱-۳. استفاده از زبان روزمره و متداول در میان مردم؛

۲-۳. برخورداری از آزادی کامل در حوزه گزینش واژگان یا اجتناب از پیرایه‌ها و

آرایش‌های لفظی رایج و عدم افراط و تفریط در استقصای لغوی؛

۳-۳. کاربرد واژگان اعتقادی با بار معنایی جدید، مانند ولی، امام، ثارالله، الوترالموتور،

انتظار، حجه‌الله، بقیه‌الله...؛

۴-۳. تشخیص هیئت موسیقایی و آهنگین کلمات و ترکیب آن با جنبه ایحایی و الهام

درونی شاعر؛

۵-۳. توجه به جنبه دلالی و ارتباطی صور خیال شاعرانه، نه حیثیت استقلالی آن؛

۶-۳. تلفیق و سازگاری میان زبان عاطفی و حماسی و پیوند استوار آن با درون‌مایه

اندیشه دینی شاعر؛

۷-۳. کاربرد بیشتر رنگ آمیزی حسی در تشبیهات و جان بخشی به استعارات برای انگیزش بهتر عواطف و احساسات؛

۸-۳. قرار گرفتن تشبیهات تمثیلی برگرفته از آیات قرآنی و معارف دینی در بافت و ساختار هنرمندانه برای اثبات حقانیت خلافت و ولایت سلاله نبوت و انعکاس فضایل ایشان. رجزها و سروده های مشهور و بلند عاشورایی، مانند هاشمیت کمیت، تائیه دعبل، جیمیة ابن رومی و اشعار سنایی و عطار و قوامی رازی و ابوالمفاخر رازی و ابن حسام خوسفی - که برگزیده هایی از آنها در بخش های مختلف مقاله ارائه شد - مصادیق بارز و شواهد صادق تحقق این رویکرد از سوی شاعران متعهد شیعی به شمار می روند.

پیامدهای ارزشی و ادبی شعر عاشورایی

۱. حفظ و استمرار ارزش ها و آرمان های علوی و حسینی و انتقال آن به نسل های آینده؛

۲. تصویرسازی منسجم و اثرگذار از رویدادهای جانگداز کربلا و حفظ و ثبت آن در حافظه تاریخی شیعه؛

۳. فراهم ساختن زمینه شکل گیری شعر حماسی - آیینی عاشورایی که هم ویژگی های سنتی رثا را در خود داشت و هم نوآوری های شگفت و شورآفرین در آن به چشم می خورد؛

۴. دمیدن روحیه مقاومت و پایداری و ایثار در شعر شاعران شیعی و نفوذ آن در زندگی فردی و اجتماعی شیعیان؛

۵. برخورداری از جایگاهی بنیادین در شکل گیری مکتب ادبی مستقل شیعه و تأسیس سبک ویژه و منحصر به فرد شعری در گستره زبان و ادبیات عربی؛

۶. عامل تبلیغی و ارتباطی مهم مکتب تشیع در عرصه رویارویی و مقابله با دستگاه های پرزرق و برق و عظیم تبلیغاتی دشمن؛

۷. سرچشمه همیشه جوشان در قلمرو ابداعات و نوآوری های شاعرانه و جهت بخشی پویا

به جریان‌های فکری و ادبی دینی و غیردینی در دوره‌های گوناگون.

کتابنامه

- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. ۱۴۱۰ق. *البدایة والمعارف*. بیروت: مکتبه‌المعارف.
- اصفهانی، ابوالفرج. بی تا. *الاغانی*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- _____ . بی تا. *مقاتل الطالبیین*. بیروت: دارالمعرفة.
- امین ریاحی، محمد. ۱۳۶۷ش. *کسایه مروزی، زندگی و شعر او*. تهران: امیرکبیر.
- امینی، عبدالحسین. ۱۴۱۶ق. ۱۹۹۵م. *الغدیر*. قم: مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه.
- بلاشر، رژی. ۱۹۸۴م. *تاریخ الادب العربی*. ترجمه ابراهیم کیلانی. دمشق: دارالفکر.
- بیضون، ابراهیم. ۱۹۷۹م. *ملاحظاتیاریاتالسیاسیه فی القرن الاول الهجری*. بیروت: دارالنهضة العربیه.
- حسین، طه. ۱۹۸۸-۱۹۸۱م. *من تاریخ الادب العربی*، بیروت: دارالعلم للملأیین.
- حوفی، احمدمحمد. ۱۹۷۹م. *ادب السیاسه فی العصر الاموی*. قاهره: دارالنهضة.
- خزاعی، دعبل بن علی. ۱۹۷۸م. *دیوان شعر*. شرح مجید الطراد. بیروت: دارالجلیل.
- خواجه کرمانی، محمودبن علی. ۱۳۶۹ش. *دیوان شعر*. به اهتمام احمد سهیلی خوانساری. تهران: انتشارات پاژنگ.
- خوسفی، ابن حسام. ۱۳۶۶ش. *دیوان شعر*. به اهتمام احمد احمدی بیرجندی و محمدتقی سالک. تهران: انتشارات اداره کل حج و زیارت.
- دینوری، احمدبن داود. ۱۹۶۰م. *الاخبار الطوال*. قاهره: داراحیاءالکتب العربیه.
- سنایی غزنوی، مجدودبن آدم. ۱۳۴۴ش. *حدیقه الحقیقه و طریقه الشریعه*. تهران: علمی.
- _____ . ۱۳۸۱ش. *دیوان شعر*. تهران: مؤسسه انتشارات نگاه.
- شوشتری، قاضی نورالله. ۱۳۷۷ش. *مجالس المؤمنین*. تهران: انتشارات اسلامیة.
- صاحبکار، ذبیح‌الله. ۱۳۷۹ش. *سیری در مرتبه عاشورایی*. تهران: انتشارات عاشور.
- صفا، ذبیح‌الله. بی تا. *مختصری در تاریخ تحول نظم و نثر پارسی*. تهران: ابن سینا.
- _____ . ۱۳۵۵ش. *تاریخ ادبیات در ایران*. تهران: امیرکبیر.
- ضیف، شوقی. ۱۹۶۰م. *تاریخ الادب العربی*. قاهره: دارالمعارف.
- طبری، محمدبن جریر. ۱۹۸۸م. *تاریخ الرسل والملوک*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- عبدالجلیل، ج. م. ۱۳۷۴ش. *تاریخ ادبیات عرب*. ترجمه آذرنوش. تهران: امیرکبیر.
- فاخوری، حنا. ۱۳۷۶ش. *تاریخ ادبیات زبان عربی*. ترجمه عبدالمحمد آیتی. تهران: توس.
- فردوسی، ابوالقاسم. ۱۳۷۷ش. *شاهنامه*. تحت نظر ا. برتلس. تهران: سوره.
- فریومدی، ابن‌یمین. ۱۳۴۴ش. *دیوان اشعار*. به تصحیح حسینعلی باستانی راد. تهران: سنایی.

قوامی رازی، بدرالدین. ۱۳۷۴ق. *دیوان اشعار*. به اهتمام جلال الدین محدث ارموی. تهران.
قمی، عباس. ۱۴۲۱ق./۱۳۷۹ش. *نفس المهموم*. قم: ذوی القربی.
کرباسی، محمدصادق محمد. ۱۴۲۱ق. *دایرة المعارف/الحسینیة*. لندن: المرکز الحسینی للدراسات.
گیب، آلکساندر راسکین. ۱۳۶۳ش. *درآمدی بر ادبیات عرب*. ترجمه یعقوب آژند. تهران: امیرکبیر.
محتشم کاشانی، سیدکمال الدین علی. ۱۳۴۴ش. *دیوان شعر*. به اهتمام محمدعلی گرگانی. تهران:
محمودی.

ناصر خسرو، ابومعین. بی تا. *دیوان شعر*. تهران: سیمای دانش.
ولی، شاه نعمت الله. ۱۳۷۳ش. *دیوان اشعار*. به سعی دکتر جواد نوربخش. تهران: نوربخش.
یعقوبی، احمد بن اسحاق. بی تا. *تاریخ الیعقوبی*. قم: مؤسسه و نشر فرهنگ اهل بیت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی